

پژوهش‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان

(علمی-پژوهشی)

سال دوم، شماره‌ی نخست، بهار ۱۳۹۲

آغاز و پایانه‌ی کلامی در درس‌نامه‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان

علی‌رضا قلی‌فامیان

استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی - دانشگاه پیام نور

چکیده

منظور از آغاز و پایانه، کلمات یا عباراتی هستند که گوینده، مکالمه‌ی خود را با آن‌ها آغاز یا تمام می‌کند. نمونه‌ی کلیشه‌ای آغاز، «سلام» است و عبارت «خداحافظ» نیز نمونه‌ای رایج از پایانه‌ی کلامی به شمار می‌آید. عبارات کلیشه‌ای و رایجی همچون «تولد مبارک» یا «نوروزتان پیروز» را نیز می‌توان به اعتبار کارکرد واقعی‌شان در میان کاربران زبان، آغاز یا پایانه نامید. در این پژوهش، الگوهای آغاز و پایانه‌ی شش درس‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان بررسی شده است. منابع مورد مطالعه عبارتند از: پورنامداریان (۱۳۸۶)، ثمره (۱۳۸۴)، ضرغامیان (۱۳۸۴)، صفارمقدم (۱۳۹۱)، فرزاد (۲۰۰۴) و شعبانی جدیدی و پرویز بروکشا (۲۰۱۰). یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد درس‌نامه‌های مورد مطالعه، در استفاده از عناصر آغاز و پایانه‌ی کلامی، به الگوهای طبیعی و متعارف زبان توجه نکرده‌اند. همچنین، استفاده از صورت‌های خطاب رسمی، نسبت به غیررسمی بیشتر است. کاربرد آغازها نسبت به پایانه‌ها بیشتر است و بسیاری از مکالمات در پیکره‌ی پژوهش، ناگهان و به گونه‌ای مصنوعی خاتمه می‌یابند و در واقع قطع می‌شوند. محقق بر این باور است که یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند توجه مولفان متون آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبان را به کاستی‌های منابع موجود جلب کرده و اهمیت بازنگری در متون مذکور را خاطر نشان سازد.

کلیدواژه‌ها: آغاز، پایانه، درس‌نامه، آموزش زبان فارسی

۱- مقدمه

منظور از آغازها و پایانه‌های کلامی، عباراتی هستند که گوینده، ارتباط کلامی خود را با آن‌ها آغاز یا تمام می‌کند. نمونه‌ی کلیشه‌ای آغاز، «سلام» است و عبارت «خداحافظ» نیز نمونه‌ای رایج از پایانه‌ی کلامی در زبان فارسی به شمار می‌آید. آغازها و پایانه‌ها از جمله کنش‌های گفتاری مهم به‌ویژه در فرایند نوبت‌گیری کلامی هستند و عوامل غیرزبانی مانند سن، جنسیت، تحصیلات و پایگاه اجتماعی، بر کمیّت و کیفیت کاربرد آن‌ها موثرند. گفتنی است در برخی مناسبت‌های اجتماعی و آیینی، از عباراتی مانند «تولدت مبارک» یا «عیدتان مبارک» به مثابه آغازگرهای کلامی استفاده می‌شود و از همین رو می‌توان آن‌ها را نیز آغازهای کلامی معرفی کرد.

در زبان‌شناسی دو دیدگاه کاملاً متفاوت در خصوص آغازها و پایانه‌های کلامی مطرح شده است. بر اساس دیدگاه اول، آغازها فاقد محتوای گزاره‌ای هستند و کاربردشان تنها زمانی طبیعی جلوه می‌کند که دو طرف گفت‌وگو با یکدیگر ملاقات کنند (سرل، ۱۹۶۹: ۶۷). در همین راستا این ادعا مطرح شده که آغازها و پایانه‌ها، حاصل واکنش عاطفی اهل زبان نیستند و این قبیل ساخت‌ها به‌طور عمده، الگوهایی تثبیت‌شده و کلیشه‌ای هستند (فرث، ۱۹۷۲: ۲۹-۳۰). مطابق با دیدگاه فرث، آغازها و پایانه‌ها بخشی از الگوهای مرتبط با ادب زبانی هستند و در واقع، اهل زبان از آن‌ها برای نشان دادن ادب زبانی استفاده می‌کنند. بی‌تردید، استفاده از آغازها و پایانه‌ها در موقعیتی نامناسب و یا عدم استفاده از آن‌ها در شرایطی که کاربردشان الزامی است، نشانه‌ی بی‌ادبی زبانی است. رش (۲۰۰۴) نیز بر ماهیت کلیشه‌ای آغازها در آلمانی سوئیس تأکید می‌ورزد و قائل به وجود دو دسته آغاز است: آغازهای گذرا^۲ و آغازهای مکالمه‌ای^۳. منظور از آغازهای گذرا عباراتی هستند که اهل زبان در کوچه و بازار و معمولاً به صورت سریع ردوبدل می‌کنند. در مقابل، آغازهای مکالمه‌ای به صورت‌هایی اطلاق می‌شود که اهل زبان به کمک آن‌ها گفت‌وگویی جدی و نسبتاً طولانی را آغاز می‌کنند. پژوهش مذکور نشان می‌دهد اهل زبان در آلمانی رایج در سوئیس، به آغازها به عنوان صورت‌هایی مرتبط با ادب می‌نگرند و آن‌ها را نشانه‌هایی برای تقویت انسجام اجتماعی می‌دانند.

مطابق با دیدگاه دوم، آغازها و پایانه‌ها اغلب حامل نوعی محتوای گزاره‌ای هستند. برای مثال، آیزنستین و همکاران (۱۹۹۶: ۹۲) بر پایه‌ی داده‌های گردآوری‌شده از گویشوران انگلیسی آمریکایی، نشان دادند که آغازها و پایانه‌ها، اغلب انتقال‌دهنده‌ی احساسات طرفین گفت‌وگو هستند و لذا نباید آن‌ها را صورت‌هایی کلیشه‌ای و فاقد محتوای معنایی در نظر گرفت.

2. transitive openings

3. conversational openings

همان‌طور که می‌دانیم مکالمه با هدف برقراری ارتباط صورت می‌گیرد و به همین دلیل عناصر زبانی رایج در مکالمات روزمره را می‌توان در چارچوب مفهوم «توانش ارتباطی» نیز بررسی کرد. منظور از توانش ارتباطی دانشی است که بر پایه‌ی آن، گوینده می‌داند چه زمان سخن بگوید و با چه کسی، در کجا و با چه شیوه‌ای صحبت کند (هایمز، ۱۹۷۲: ۲۷۷). بدیهی است عناصری مانند آغازها و پایانه‌های کلامی به دلیل کارکردشان در مکالمه، نقشی مهم در بازنمود توانش ارتباطی اهل زبان ایفا می‌کنند و لذا استفاده‌ی مناسب یا نابجا از این قبیل صورت‌های زبانی را می‌توان در قالب مفهوم توانش ارتباطی اهل زبان تجزیه و تحلیل کرد.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

آموزش قاعده‌مند، معمولاً بر پایه‌ی مواد آموزشی استوار است. مواد آموزشی مناسب، فرایند یادگیری را تسهیل می‌کند و در صورتی که ایرادی در ساختار یا محتوای این‌گونه مواد وجود داشته باشد، امر آموزش با اختلال مواجه می‌شود. اهمیت مواد و منابع آموزشی و همچنین زمان و هزینه‌ی زیادی که صرف طراحی، تدوین، تولید و انتشار این‌گونه منابع می‌شود، ایجاب می‌کند که محققان بر پایه‌ی الگوهایی سازمان‌یافته، به آسیب‌شناسی جنبه‌های مختلف منابع آموزشی موجود بپردازند و در صورت مشاهده‌ی هر گونه کاستی، راهکارهایی عملی برای رفع آن کاستی‌ها ارائه دهند. تحقیقات موسوم به تحلیل محتوا، شامل مطالعاتی هستند که بر اساس مجموعه‌ای از معیارهای معین، یک یا چند پارامتر مشخص را در منابع آموزشی بررسی می‌کنند. اما صرف‌نظر از مطالعاتی که تحلیل محتوای منابع آموزشی را با توجه به ملاحظات روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و نظایر آن دنبال کرده‌اند، پژوهش‌هایی نیز با محوریت زبان و منابع آموزش زبان انجام شده است. به عنوان نمونه، صحرایی و شهباز (۱۳۹۱)، متون درک مطلب چهار منبع آموزش زبان فارسی را بر اساس انگاره‌ی اندرسون ارزیابی کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در نگارش چهار منبع مورد بررسی، صرفاً اصل گسترش دایره‌ی واژگانی مد نظر قرار گرفته است و سایر اصول و مهارت‌های مرتبط با خواندن و درک مطلب در این انگاره، مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

تاکنون هیچ مطالعه‌ای در خصوص آغازها و پایانه‌های کلامی به طور خاص در منابع آموزش زبان انجام نشده است، بنابراین، در این بخش صرفاً به پژوهش‌هایی اشاره می‌کنیم که به طور کلی، به این‌گونه ساختارها در زبان طبیعی پرداخته‌اند. واقعیت این است که صورت‌های زبانی، معمولاً نه در قالب کلمات و جملات مجزا، بلکه به صورت توالی‌های گفتاری کوتاه ظاهر می‌شوند. دورانتی (۱۹۹۷) آغازها و پایانه‌های کلامی گفتار طبیعی را در چارچوب توالی‌های دوتایی (شامل دو عبارت یا جمله‌ی پی‌درپی که میان دو

طرفِ گفت‌وگو رتوبدل می‌شود) مطالعه کرده و منطق این ساخت‌های کلامی را با توجه به عوامل اجتماعی مختلف، تحلیل کرده است.

اکیندل (۲۰۰۷) به ملاحظات اجتماعی-زبانی تعامل گفتاری اهل زبان در جنوب آفریقا پرداخته است. بر اساس یافته‌های پژوهش مذکور، آغازه‌ها و پایانه‌های زبان سسوتو^۴ الگوهای روزمره برای تثبیت ارتباط بینافردی به شمار می‌آیند. همچنین، آغازه‌ها موضوع مکالمه میان دو طرف گفت‌وگو را تعیین می‌کنند. در این زبان، آغازه‌ها و پایانه‌ها به وضعیت عمومی و رفاه طرفینِ گفت‌وگو نیز دلالت می‌کنند و پارامترهای سن، بافت موقعیت و زمان نیز در کاربرد آن‌ها موثرند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که میان انواع و ساختار آغازه‌ها و پایانه‌های سسوتو با زبان‌هایی مانند یوروباه^۵، ستسوانا^۶، شونا^۷ و عربی شباهت وجود دارد.

آثار ادبی نیز از نظر بسامد آغازه‌ها و پایانه‌ها بررسی شده‌اند. برای مثال، جاکر (۲۰۱۱) به مطالعه‌ی این‌گونه صورت‌های زبانی در داستان‌های کانتربری، اثر چاوسر، پرداخته است و صورت‌های مذکور را از سه منظر سلسله مراتب اجتماعی، میزان آشنایی و میزان قدرت طرفینِ گفت‌وگو بررسی کرده است. البته زبان ادبی با زبان گفتاری متفاوت است و خود جاکر نیز ادعا نمی‌کند که می‌توان نتایج بررسی‌اش را به الگوهای انگلیسی دوره‌ی میانه تعمیم داد. تنها نقطه‌ی اتکای وی این است که داستان‌های کانتربری اثری شاخص و مجموعه‌ای فراگیر از ژانرهای مختلف و متنوع است و به همین دلیل، مطالعه‌ی الگوهای آغازه و پایانه در آن حائز اهمیت است. مطالعه‌ی مذکور نشان می‌دهد در کل پیکره‌ی مورد بررسی، ۶۷ آغازه و ۷۳ پایانه به کار رفته است و از این میان به ترتیب، ۱۵ آغازه و ۱۸ پایانه از الگوی غیرمستقیم تبعیت کرده‌اند. همچنین، آشکار شد که در گونه‌ی انگلیسی آن روزگار، صورت‌های آغازه و پایانه چندان کلیشه‌ای نبوده‌اند و اهل زبان در این حوزه از خود خلاقیت نشان می‌داده‌اند.

نخستین بار شگلوف (۱۹۶۷) به مطالعه‌ی آغازه‌ها در مکالمات تلفنی پرداخت و از آن پس تحقیقات گسترده‌ای در خصوص پارامترهای مختلف مکالمه‌ی تلفنی انجام شد (شگلوف، ۱۹۶۸ و ۱۹۷۹؛ گودارد، ۱۹۷۷ و هاپر و کولیلات-دونی، ۱۹۸۹). در این مطالعات، جزئیات مکالمه‌ی بینافردی در زبان‌هایی مانند انگلیسی، فرانسه، یونانی، فنلاندی و غیره مورد بررسی قرار گرفته است.

ادعای کلی این است که در زبان‌های مختلف، برای نشان دادن آغاز کلام از الگوهای معین استفاده می‌شود و از این رو می‌توان قائل به نوعی الگوی همگانی شد (هاپر و کولیلات-دونی، ۱۹۸۹: ۱۷۶). کروئل-مولینا (۱۹۹۸) در بررسی مکالمه‌ی تلفنی میان ۱۱ گویشور اسپانیایی‌زبان نشان داد ادعاهای

^۴ سسوتو (Sesotho) یکی از زبان‌های خانواده‌ی بانتو است و در آفریقای جنوبی و لسوتو کاربرد دارد.

^۵ یوروبا (Yoruba) متعلق به خانواده‌ی زبانی نیجر-کنگو است و در کشورهای نیجریه، بنین و توگو رواج دارد.

^۶ ستسوانا (Setswana) از زبان‌های خانواده‌ی بانتو و زبان رسمی بوتسوانا است

^۷ شونا (Shona) متعلق به خانواده‌ی زبانی بانتو است و در زیمبابوه و زامبیا رواج دارد.

شگ洛夫 و هاپر در خصوص همگانی‌های الگوهای مکالمه در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، صحیح است و چنین عمومیتی نه تنها در آغازی کلامی، بلکه در پایانه‌های کلامی نیز صادق است. نتایج مطالعه کروئل-مولینا نشان داد در اسپانیایی نیز مانند انگلیسی، افراد در مکالمه‌ی مستقیم یا تلفنی برای آن‌که تمایل خود را به اتمام گفت‌وگو نشان دهند، از برخی صورت‌های زبانی استفاده می‌کنند. پژوهش مذکور نشان داد، پایانه‌ها از آغازها طولانی‌تر هستند، ضمن این‌که در مواردی، بیان یک پایانه توسط یک طرف گفت‌وگو به طرف دیگر فرصت می‌دهد تا موضوع مکالمه را تغییر دهد و گفت‌وگو در مسیری جدید ادامه پیدا کند.

آغازها به گفتار محدود نمی‌شوند. به عنوان نمونه، در پژوهشی، قسمت آغازین و به بیان دقیق‌تر، سرآغاز^۸ ۷۵ نامه‌ی درخواست شغلی ارسال شده به یک دانشگاه، مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق مذکور، نشان می‌دهد که ۴۷ نفر از نویسندگان درخواست‌های شغلی که از جنسیت خواننده‌ی درخواست‌های خود اطلاع نداشته‌اند، نامه‌شان را خطاب به یک شخص یا گروه ناشناس مذكر نوشته‌اند. ۲۸ از این ۴۷ نویسنده‌ی درخواست شغلی، در خطاب به مخاطب خود از چهار صورت انگلیسی (Dear Chairman, Gentlemen, Dear Sirs, Dear Sir) استفاده کرده‌اند. بقیه‌ی نویسندگان نامه‌ها که از سرآغازهای خطاب خنثی استفاده کرده‌اند، تابع الگوی مشخصی نیستند و مشاهدات نشان می‌دهد که گروه مذکور، از نوزده صورت متفاوت سرآغاز در آغاز نامه‌هایشان استفاده کرده‌اند. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد زنان نسبت به مردان، از سرآغازهای خنثی بیشتری استفاده کرده‌اند. یافته‌ی دیگر پژوهش مذکور این است که بین منطقه‌ی محل سکونت داوطلب و استفاده از سرآغازهای خنثی یا مذكر، همبستگی وجود دارد (نیلسن، ۱۹۸۴: ۲۴۷).

وی (۲۰۱۰) با تکیه بر نظریه‌ی کنش گفتاری آستین و نیز الگوی ادب زبانی براون و لوینسون به بررسی و مقایسه‌ی آغازها و پایانه‌های انگلیسی و چینی پرداخته است. وی به این نتیجه رسیده که در کاربرد صورت‌های آغاز و پایانه در دو زبان انگلیسی و چینی و همچنین در گروه‌های اجتماعی مختلف، تنوعی گسترده وجود دارد و حتی در گفتار یک فرد، ثبات چندانی در استفاده از این قبیل الگوها مشاهده نمی‌شود. به این ترتیب، احوال‌پرسی به عنوان یک الگوی ادب، پدیده‌ای جهانی به شمار می‌آید، اما به شدت فرهنگ‌محور است. از نظر وی (۲۰۱۰: ۶۲)، الگوی ادب زبانی براون و لوینسون تا اندازه‌ی زیادی در مورد فرهنگ غربی، به ویژه بریتانیا و آمریکا، صدق می‌کند. با این حال، نمی‌توان صرفاً با تمرکز بر آغاز و پایانه‌ی ردوبدل شده میان دو فرد، ارتباط میان آن‌ها را پیش‌بینی کرد.

8. salutation

موضوع الگوهای آغاز و پایانه‌ی کلامی، در حوزه‌ی آموزش زبان نیز مطرح شده است. به عنوان نمونه، باردوی-هارلیگ و همکاران (۱۹۹۱) معتقدند معلمان و به طور کلی، نظام آموزشی، باید در کنار مهارت دستوری و واژگانی، به مهارت کاربردشناختی زبان‌آموزان نیز توجه کنند. آنان برای تقویت مهارت کاربردشناختی، قائل به چهار مرحله هستند: (۱) شناسایی کنش‌های گفتاری در زبان، (۲) گردآوری داده‌ها و توصیف آن‌ها، (۳) ارزیابی متون و مواد آموزشی، و (۴) تهیه‌ی مواد آموزشی جدید.

باردوی-هارلیگ و همکاران (۱۹۹۱) متوجه شدند زبان‌آموزان در پایان دادن به گفتار خود، اغلب دچار مشکل می‌شوند و حتی زبان‌آموزان سطوح پیشرفته، گاه متوجه نمی‌شوند که طرف گفت‌وگویشان در چه موقعیتی قصد دارد به مکالمه‌اش پایان دهد. گاه زبان‌آموزان احساس می‌کنند گفتن صرفاً «خداحافظ» نشانه‌ی بی‌ادبی است و به همین دلیل، اغلب دچار سوءتفاهم می‌شوند. برای رفع این کاستی، باردوی-هارلیگ و همکاران به مطالعه‌ی الگوهای پایانه‌ی ارائه شده در دیالوگ‌های ۲۰ کتاب آموزش زبان انگلیسی پرداختند و دریافتند که هدف از ارائه‌ی دیالوگ‌ها، آموزش مهارت‌های کاربردشناختی واقعی نیست، بلکه ارائه‌ی ساختارهای دستوری جدید است. در پیکره‌ی پژوهش مذکور، مشاهده شد که در اغلب دیالوگ‌های بررسی شده، مکالمه ناگهان قطع می‌شود و خبری از الگوهای متعارف پایانه‌ی کلامی نیست. به عبارت دیگر، ۲۰ کتاب آموزشی مورد نظر، چگونگی اتمام گفت‌وگو را به زبان‌آموزان آموزش نمی‌دهند (همان: ۸).

در چارچوب زبان فارسی نیز مطالعه‌ای در زمینه‌ی پایانه‌ی مکالمات تلفنی، توسط خادم و اسلامی راسخ (۲۰۱۲) انجام شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق مذکور، گویشوران زبان فارسی نیز مانند گویشوران انگلیسی، در پایان کلام خود از الگوهای متعارفی استفاده می‌کنند و این امر با مشارکت دو طرف گفت‌وگو انجام می‌گیرد. گویشوران زبان فارسی، ابتدا به طور غیرمستقیم زمینه را برای پایان دادن به کلام خود آماده کرده و سپس الگوهای پیش پایانه^۹ (مانند مواظب خودت باش، سلام برسان و از شنیدن صدات خوشحال شدم) را به زبان آورده و سرانجام از الگوی پایانه‌ی کلامی استفاده می‌کنند. همچنین داده‌ها نشان داده است که فارسی‌زبانان در پایان مکالمه‌ی تلفنی، به موضوعات مختلفی اشاره می‌کنند، اما رایج‌ترین آن‌ها تشکر از طرف مقابل به خاطر تماس تلفنی است. نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که ایرانی‌ها به میزان گسترده‌ای از تعارف استفاده می‌کنند و به دلیل این که به طرف مقابل تلفن کرده‌اند، بارها عذرخواهی می‌کنند و نکته‌ی پایانی این که در موقعیت پایانه‌ی کلامی زبان فارسی، «سلام رساندن» پربسامدترین الگوی پیش پایانه به شمار می‌آید (خادم و اسلامی راسخ، ۲۰۱۲: ۱۶۰).

^۹. pre-closing sequences

۳- اهداف پژوهش

با توجه به اهمیت آغازها و پایانه‌های کلامی، در این پژوهش می‌کوشیم فراوانی این ساخت‌های کلامی را در شش درس‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان ارزیابی کرده و سپس به تحلیل یافته‌ها بپردازیم. از آن‌جا که ساخت‌های آغاز و پایانه، اغلب با صورت‌های خطاب مانند آقا، خانم، دکتر، استاد و نظایر آن همراه می‌شوند، می‌کوشیم بافت موقعیت ساخت‌های مورد نظر را از منظر رسمی یا غیررسمی بودن نیز ارزیابی کنیم.

۴- پیکره‌ی پژوهش

برای دستیابی به اهداف پژوهش، شش درس‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی انتخاب شده است. این درس‌نامه‌ها توسط ناشران مختلف داخلی و همچنین خارجی منتشر شده‌اند. برخی از این آثار، با رویکردهای سنتی آموزش زبان تدوین شده‌اند و گروهی دیگر امروزی‌تر هستند و در تدوین ساختار و نیز ارائه‌ی جزئیات آن‌ها، از روش‌های جدیدتری استفاده شده است. در ادامه، به معرفی اجمالی درس‌نامه‌های مورد نظر می‌پردازیم.

۴-۱- پورنامداریان (۱۳۸۶)

کتاب «درس فارسی برای آموزان خارجی» (دوره‌ی مقدماتی) تألیف تقی پورنامداریان در ۵۷۳ صفحه شامل ۲۱ درس، برای نخستین بار در سال ۱۳۷۳ منتشر شده است. بخش اول و دوم این کتاب به آموزش نظام آوایی، الفبا و دستور زبان فارسی اختصاص دارد. در بخش سوم، ساختارهای مختلف دستوری به کار رفته در داستان‌ها و حکایات فارسی ارائه شده است و بخش چهارم نیز شامل تمرین‌هایی برای ترجمه‌ی متن است. این کتاب دارای فرهنگ لغات فارسی-انگلیسی و همچنین انگلیسی-فارسی نیز می‌باشد. مبنای نظری آموزش زبان در این کتاب، رویکرد دستور-ترجمه^{۱۰} است؛ زیرا بخش عمده‌ی آن به ارائه‌ی مباحث دستوری زبان فارسی و معادل انگلیسی کلمات و ترجمه‌ی جمله‌های فارسی به انگلیسی می‌پردازد. گفتنی است کل کتاب مذکور شامل تمام بخش‌های ۲۱ درس، تمرین‌ها، متون ترجمه، و فرهنگ لغات، جزو پیکره‌ی تحقیق بوده است.

۴-۲- ثمره (۱۳۸۴)

جلد دوم کتاب «آموزش زبان فارسی»، تألیف یدالله ثمره، در ۲۹۰ صفحه شامل ۲۱ درس است. این کتاب یکی از جلدهای مجموعه‌ی معروف به «آزفا» می‌باشد که نخستین بار در سال ۱۳۷۱ منتشر شد. رویکرد

¹⁰. grammar-translation approach

نویسنده‌ی درس‌نامه‌ی مذکور نیز دستور-ترجمه است. تمام این جلد از کتاب، شامل تمرین‌ها و متون کوتاه و بلند بررسی شده و موارد شامل آغاز و پایانه‌ی آن شناسایی شده است.

۴-۳- ضرغامیان (۱۳۸۴)

«دوره‌ی آموزش زبان فارسی» (از مبتدی تا پیشرفته) دارای سه جلد (در مجموع ۹۱۸ صفحه) است که به طور محسوسی از رویکرد دستور-ترجمه‌ی دو اثر قبلی فاصله گرفته است. در این دوره، شاهد استفاده از گفت‌وگوهای دونفره و گاه سه‌نفره هستیم. تمام گفت‌وگوهای مندرج در کل دوره با دقت بررسی شده و موارد شامل آغاز و پایانه شمارش شده است.

۴-۴- صفارمقدم (۱۳۹۱)

مجموعه‌ی «زبان فارسی» شامل چهار جلد کتاب آموزشی، چهار جلد کتاب کار، و یک جلد کتاب راهنماست. در تألیف این کتاب، از شیوه‌های نوین آموزش زبان استفاده شده است. در این پژوهش، تمام بخش‌های چهار جلد کتاب آموزشی، اعم از دروس و تمرین‌ها، بررسی شده و آغازها و پایانه‌های به کار رفته در گفت‌وگوها، استخراج شده است.

۴-۵- فرزاد (۲۰۰۴)

کتاب «خودآموز فارسی امروز» تألیف فرزاد، در ۲۶۶ صفحه از سوی انتشارات مک‌گرو هیل منتشر شده است. برخلاف چهار اثر قبلی، پایه‌ی این کتاب، زبان انگلیسی است و تمام توضیحات ارائه شده به زبان آموز به انگلیسی است. مانند چهار منبع قبلی، این کتاب نیز به طور کامل و دقیق بررسی شده و ساختارهای آغاز و پایانه در هر قسمت از کتاب به عنوان داده‌های تحقیق، استخراج شده است.

۴-۶- شعبانی جدیدی و پرویز بروکشا (۲۰۱۰)

کتاب «فارسی شیرین است» تألیف شعبانی جدیدی و پرویز بروکشا، در ۲۶۴ صفحه توسط انتشارات روتلیج منتشر شده است. این کتاب شامل ۱۵ درس است و هر درس، دربرگیرنده‌ی بخش‌هایی مانند واژگان، گفتگو، الگوهای دستوری، خواندن و غیره می‌باشد. مانند اثر قبلی (فرزاد، ۲۰۰۴)، پایه‌ی این کتاب نیز انگلیسی است و توضیحات دروس به انگلیسی ارائه شده است. نگارنده در شناسایی و استخراج آغازها و پایانه‌های کلامی موجود در این منبع نیز صرفاً به بخش‌های گفت‌وگو اکتفا نکرده و کل کتاب را به مثابه پیکره‌ی تحقیق، مورد بررسی قرار داده است.

۵- روش پژوهش

همان‌طور که در بخش قبلی اشاره شد، نگارنده تمام بخش‌های شش درس‌نامه‌ی مورد مطالعه را به عنوان پیکره‌ی تحقیق خود انتخاب کرده است؛ هر چند اغلب ساختارهای شامل آغاز و پایانه، در بخش‌های با عنوان گفت‌وگو مشاهده شده‌اند. برای شناسایی الگوهای آغاز و پایانه‌ی به کار رفته در پیکره‌ی تحقیق، از روشی منسجم پیروی شده است. بدین ترتیب که ابتدا دیالوگ‌های موجود در هر بخش از درس‌نامه (اعم از بخش آموزش مکالمه، نگارش، خواندن، تمرین‌ها و...) گردآوری شده و سپس کلمات، عبارات یا اصطلاحات مربوط به آغاز و پایانه‌ی کلامی استخراج شده‌اند. هر دیالوگ که دارای حداقل یک عنصر آغاز یا پایانه است، یک ساخت آغاز/پایانه به شمار آمده است. برای مثال، در درس‌نامه‌ی شماره (۱۳۸۴)، شش دیالوگ واجد چنین ویژگی‌ای شناخته شد و لذا در جدول اطلاعات آماری بخش بعد، فراوانی ساخت آغاز/پایانه در منبع مذکور ۶ می‌باشد.

۶- یافته‌های تحقیق

در این بخش، ابتدا برخی نکات صوری و محتوایی مربوط به ساخت‌های آغاز و پایانه در پیکره‌ی پژوهش را مرور کرده و سپس اطلاعات آماری استخراج شده را در قالب دو جدول و یک نمودار ارائه می‌دهیم. منبع شماره‌ی ۱ پورنامداریان (۱۳۸۶) برخلاف حجم قابل توجه‌اش (۵۷۳ صفحه)، دارای فقط یک ساخت آغاز/پایانه است. نکته‌ی قابل تأمل این است که در فرهنگ لغات این درس‌نامه (صص، ۴۱۷ - ۵۲۶)، اصولاً مدخلی با عنوان «سلام» یا «خداحافظ» وجود ندارد. پذیرش این موضوع دشوار است که مخاطبان این کتاب، انبوهی از ساختارهای دستوری و کلمات فارسی را بیاموزند، اما با ساده‌ترین کلمات مورد استفاده در آغاز یا پایان یک گفت‌وگوی معمولی آشنا نشوند. به این ترتیب می‌توان ادعا کرد منبع شماره‌ی ۱، هیچ توجهی به توانش ارتباطی زبان‌آموزان نداشته و در صورت ویرایش متن مذکور، باید به این نقطه‌ضعف عمده توجه کرد. به منظور تحلیل بیشتر، تنها ساخت شامل آغاز-ی منبع شماره‌ی ۱ را بررسی می‌کنیم:

(احمد: مادر! من گرسنه‌ام. غذا را بیاور.

مادر: چند دقیقه صبر کن!

پرویز: امروز ناهار چی داریم؟

مادر: چلو مرغ

مریم: مادر! من چلوکباب دوست دارم. فردا چلوکباب درست کن!

حسن: من ماکارونی دوست دارم. امشب ماکارونی بپز!

احمد: پدر کی می‌آید؟ من گرسنه‌ام.

مادر: همین حالا می‌آید.

مریم: زنگ زدند. پدر آمد. احمد برو در را باز کن!

مادر: مریم بیا سفره را ببر!

حسن: من چی را ببرم؟

پرویز: تو بشقاب‌ها را بیاور!

پدر: نه! بشقاب‌ها را نیاور! تو قاشق‌ها و چنگال‌ها را بیاور!

پرویز: احمد! تو هم کمک کن! قدری آب بیاور! (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۲۳۵)

این مکالمه‌ی ۱۴ سطری، چند ایراد اساسی دارد. نخست این که در ابتدای مکالمه هیچ اشاره‌ای به بافت کلام (این که مکالمه در خانه یا جایی دیگر انجام می‌شود) نشده است. دوم این که شش شخصیت فرضی (احمد، مادر، پرویز، مریم، حسن و پدر) در این مکالمه‌ی طولانی شرکت می‌کنند. باید توجه داشت که درک مطلب مکالمه‌ای با مشارکت شش شخصیت، برای زبان‌آموز سطح مقدماتی بسیار دشوار و گیج‌کننده است. ایراد مهم‌تری که به موضوع پژوهش حاضر نیز ارتباط دارد، این است که شخصیت فرضی پدر ظاهراً وارد خانه می‌شود، بی آن که به کسی «سلام» بگوید. به بیان دیگر، نویسنده‌ی متن مورد نظر برای معرفی و تفهیم الگوی صحبت‌گشایی در فارسی، از این فرصت استفاده نمی‌کند و جالب این که به جای آن، جمله‌ای را از زبان پدر می‌شنویم که هیچ منطق خاصی را دنبال نمی‌کند (نه! بشقاب‌ها را نیاور! تو قاشق‌ها و چنگال‌ها را بیاور!).

منبع شماره‌ی ۲ (ثمره، ۱۳۸۴) در ۲۹۰ صفحه دارای ۶ ساخت آغاز/پایانه است و از این نظر نسبت به منبع شماره‌ی ۱ مناسب‌تر به نظر می‌رسد. در شماری از دیالوگ‌های این کتاب، بافتی که مکالمه در آن صورت می‌گیرد، در قالب یک بند (پاراگراف) به خواننده معرفی شده است، بنابراین، زبان‌آموز تا حدودی با پیش‌زمینه‌ی جملات ردّوبدل شده میان شخصیت‌ها آشنا است. یکی از اشکالات این منبع، وجود دیالوگ‌های بسیار طولانی است. به عنوان نمونه، مکالمه‌ی «یک مهمانی ناهار»، از انتهای صفحه‌ی ۶۱ آغاز شده و تا نیمه‌ی صفحه‌ی ۶۵ ادامه پیدا می‌کند. در ادامه، نمونه‌ای از یک گفت‌وگوی این درس‌نامه را بررسی می‌کنیم:

(فرزان: سلام آقای احمدی، حالتون چطوره؟)

احمدی: سلام، صُب به خیر، حال شما چطوره؟ بچه‌ها خوبین؟

فرزان: خیلی ممنون. کجا دارین می‌رین؟

فرزان: لطفاً سلام من رو به ایشون برسونین (ثمره، ۱۳۸۴: ۱۰۴)

همان‌گونه که ملاحظه شد، به منظور رعایت اختصار، صرفاً به بخشی از مکالمه اکتفا شده است. شواهد نشان می‌دهد که این گفت‌وگو در فضای نیمه‌رسمی و میان دو فرد که با یکدیگر آشنایی نسبی دارند انجام شده است. جزئیات مربوط به نگارش برخی کلمات در این دیالوگ (صُب، می‌رین و برسونین) نشان می‌دهد که مولف کوشیده است زبان‌آموز را با گونه‌ی محاوره‌ای زبان فارسی آشنا کند. شخصیت اول (فرزان) کلام خود را با واژه‌ی «سلام» آغاز می‌کند و مخاطب (احمدی)، با همین واژه با او وارد صحبت می‌شود. نکته‌ی قابل توجه این است که فرزان در پایان گفت‌وگو به جای استفاده از کلماتی مانند «خداحافظ» یا «خدانگهدار»، از اصطلاحی استفاده می‌کند که در آن واژه‌ی «سلام» به کار رفته است (لطفاً سلام من رو به ایشون برسونین). اصطلاح «به کسی سلام رساندن» یک پایانه یا پیش‌پایانه‌ی رایج در زبان فارسی است. وجود چنین ساخت‌هایی نشان می‌دهد رویکرد صرفاً صوری و مکانیکی به آغازها و پایانه‌ها، در عرصه‌ی آموزش یا پژوهش به نتایجی غیرواقعی می‌انجامد.

منبع شماره‌ی ۳ (ضرغامیان، ۱۳۸۴)، در سه جلد، شامل ۹۱۸ صفحه است و در آن ۲۰ ساخت آغاز و پایانه به کار رفته است. در این منبع سه جلدی، کلمات و عباراتی نظیر «خدانگهدار»، «بدرود» و «به امید دیدار» به کار نرفته است. در میان دیالوگ‌های ضرغامیان، گاه اسم خطاب در ابتدای ساختار جمله آمده است (نادر، تو آن پسر را می‌شناسی؟) و گاه در پایان جمله (به چه چیز خیره شده‌ای، بهرام؟). گفتنی است در لابه‌لای مکالمات این منبع، تنها در یک مورد شاهد اشاره به یک رویداد فرهنگی (نوروز) هستیم (جلد سوم: ۴۳)، اما در مکالمه‌ی مذکور، از ساخت‌هایی نظیر «سال نو مبارک» یا «عیدتان مبارک» که به نوعی ساخت آغاز به شمار می‌آیند، خبری نیست.

منبع شماره‌ی ۴ (صفرمقدم، ۱۳۹۱) در چهار جلد تدوین شده است و در کلّ این مجموعه‌ی آموزش زبان فارسی، ۴۴ ساخت آغاز یا پایانه دیده می‌شود. در بخش‌های مختلف این منبع، به جنبه‌های میان‌فرهنگی نیز توجه کافی شده است. به عنوان نمونه، در صفحه‌ی ۷۷ جلد اول این منبع، شاهد دیالوگی میان «پترا» و «افسانه خانم» هستیم.

منبع شماره‌ی ۵ (فرزاد، ۲۰۰۴) که در خارج از ایران منتشر شده است، به طور محسوسی، بیش از چهار منبع قبلی به ساخت‌های آغاز و پایانه توجه کرده است. این درس‌نامه بر اساس نوعی نیازسنجی علمی، تدوین شده است و از شواهد این‌گونه برمی‌آید که مولف، با نیازهای واقعی زبان‌آموزان در یادگیری ساختارهای کلیدی آشنا بوده است.

منبع شماره‌ی ۶ (شعبانی جدیدی و پرویز بروکشا، ۲۰۱۰) حاوی ۱۵ ساخت آغاز و پایانه است و از این منظر با فاصله‌ای اندک، در رتبه‌ی دوم (پس از فرزاد، ۲۰۰۴) قرار می‌گیرد. مکالمات منبع مذکور به لحاظ موضوعی، متنوع‌تر است و برخلاف منابع ۱ تا ۴، فضای گفت‌وگوها از فضای کلاس درس و دانشگاه خارج

می‌شود و موقعیت‌های معمولی را در برمی‌گیرد. گفتنی است برخی صورت‌های خطاب مانند «حاج آقا» کاملاً فرهنگ‌محور هستند و معادلی در سایر زبان‌ها ندارند. در کلّ پیکره‌ی پژوهش حاضر، تنها یک بار از این صورت خطاب استفاده شده است و همین یک بار را نیز در منبع شماره‌ی ۶ مشاهده می‌کنیم. در زیر، یک نمونه از مکالمات مندرج در درس‌نامه‌ی مورد بررسی را مرور می‌کنیم:

(خانم انصاری: سلام حاج آقا. از اون روغن زیتونی که هفته‌ی پیش بردم دارین؟
بقال: سلام خانم مهندس. اتفاقاً تموم شده، ولی یکی از اون بهتر برامون از ترکیه رسیده. قیمتشم مناسبه.

خانم انصاری: چنده مگه؟

بقال: قابل شما رو نداره خانم مهندس. چاهار هزار و پونصد.

خانم انصاری: قربون دستتون. دو تا بدین.) (شعبانی جدیدی و پرویز بروشکا، ۲۰۱۰: ۷۴)
دقت در صورت نوشتاری شماری از کلمات به کار رفته در دیالوگ فوق، نشان می‌دهد مولفان منبع شماره‌ی ۶ به گونه‌ی محاوره‌ای کلمات دقت داشته‌اند و کوشیده‌اند با استفاده از صورت‌هایی نظیر «تموم» به جای «تمام»، «برامون» به جای «برایمان»، «چاهار» به جای «چهار»، «دستتون» به جای «دست‌تان» و همچنین با حذف واحد شمارش پول (تومان) در سطر چهارم دیالوگ، الگوهای غیررسمی فارسی را به مخاطب بیاموزند.

در منبع شماره‌ی ۶، شاهد استفاده از الگوهای آغاز و پایانه در طراحی سوال هستیم. به دلیل اهمیت این موضوع، نمونه‌ای از یک پرسش چهارگزینه‌ای موجود در منبع مذکور را عیناً نقل می‌کنیم:

(جاهای خالی را پر کنید.

سیمما: سلام، اسم من سیماست.

علی:

الف) کجایی هستید؟ (ب) چیست؟

ج) خوش‌وقتم. (د) خداحافظ

شعبانی جدیدی و پرویز بروشکا (۲۰۱۰: ۴۶)

وجود چنین پرسش‌هایی نشان می‌دهد مولفان اثر مورد بحث، صرفاً به معرفی ساخت‌های آغاز و پایانه اکتفا نکرده‌اند و کوشیده‌اند با طرح پرسشی چهارگزینه‌ای، توانایی زبان‌آموزان را در تشخیص این قبیل ساخت‌ها ارزیابی کنند. بی‌تردید طرح چنین پرسش‌هایی در داخل متن، زبان‌آموز را بیش از پیش به یادگیری این ساخت‌ها ترغیب می‌کند.

در جدول شماره‌ی ۱، اطلاعات آماری مربوط به شش منبع مورد مطالعه را مشاهده می‌کنیم:

جدول ۱. آغازها و پایانه‌ها در پیکره‌ی پژوهش؛ فراوانی خام و فراوانی در مقیاس ۱۰۰ صفحه

ردیف	کتاب	تعداد صفحات	فراوانی ساخت آغازه/پایانه	فراوانی در مقیاس ۱۰۰ صفحه
۱	پورنامداریان (دوره‌ی مقدماتی)	۵۷۳	۱	۰/۱
۲	ثمره (کتاب دوم)	۲۹۰	۶	۲/۰۶
۳	ضرغامیان (جلد ۳)	۹۱۸	۲۰	۲/۱
۴	صفا مقدم (جلد ۴)	۱۱۲۴	۴۴	۳/۹
۵	فرزاد	۲۶۶	۱۷	۶/۳
۶	شعبانی و بروکشا	۲۶۴	۱۵	۵/۶
	مجموع	۳۴۳۵	۱۰۳	۲/۹

جدول فوق، شمار صفحات هر منبع را به همراه فراوانی ساخت‌های آغازه و پایانه و همچنین، فراوانی «در مقیاس ۱۰۰ صفحه» نشان می‌دهد. همان‌طور که در آخرین ردیف جدول می‌بینیم، فراوانی در مقیاس ۱۰۰ صفحه ۲/۹ می‌باشد. به بیان دیگر، در کل پیکره‌ی مورد مطالعه، در هر ۱۰۰ صفحه حدود ۳ ساخت آغازه یا پایانه مشاهده شده است. نمودار زیر نیز فراوانی ساخت‌های آغازه و پایانه را در شش منبع پیکره نشان می‌دهد.



نمودار ۱.

درصد فراوانی ساخت‌های آغازه و پایانه در پیکره‌ی پژوهش

ساخت‌های آغازه و پایانه‌ی موجود در پیکره را می‌توان با توجه به پارامترهای دیگری بررسی کرد. به عنوان نمونه، میزان استفاده از دو واژه‌ی کلیدی «سلام» و «خدا حافظ» و همچنین استفاده از خطاب غیررسمی و خطاب رسمی در آغازها از منظر جامعه‌شناسی زبان، حائز اهمیت است. یافته‌های مورد نظر در جدول شماره‌ی ۲ درج شده است.

جدول ۲. سلام، خداحافظ، و خطاب در پیکره‌ی پژوهش

ردیف	کتاب	سلام	خداحافظ / خدانگهدار	خطاب غیررسمی	خطاب رسمی
۱	پورنامداریان (دوره‌ی مقدماتی)	-	-	۱	۲
۲	ثمره (کتاب دوم)	۷	۳	۱	۳
۳	ضرغامیان (جلد ۳)	۱۱	۷	۱۴	۱۰
۴	صفا مقدم (جلد ۴)	۳۳	۴	۱۰	۳۵
۵	فرزاد	۶	۱	۱۱	۳
۶	شعبانی و بروکشا	۱۴	۲	۸	۱۴
	مجموع	۷۱	۱۷	۴۵	۶۷

پیش از شرح داده‌های مندرج در جدول، لازم به ذکر است که منظور از خطاب غیررسمی، استفاده از اسم کوچک بدون استفاده از عنوان‌هایی نظیر آقا یا خانم است. منظور از خطاب رسمی نیز استفاده از عنوان‌هایی نظیر آقا، خانم، دکتر، مهندس، استاد (همراه یا بدون نام فرد) می‌باشد. به این ترتیب، عباراتی نظیر «سلام کاوه»، «الو، سلام نادر» نمونه‌هایی از خطاب غیررسمی هستند و عباراتی مانند «خانم‌ها، آقایان»، «سلام آقا»، «سلام آقا بهرام»، «متشکرم آقای احمدی» و «خوبید آقای مهندس؟»، نمونه‌هایی از خطاب رسمی به شمار می‌آیند.

داده‌های مندرج در جدول بالا نیز قابل تأمل است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، پورنامداریان (۱۳۸۶) حتی یک بار از کلمات «سلام» یا «خداحافظ» استفاده نکرده است، اما در تنها دیالوگ این کتاب، یک خطاب غیررسمی به کار رفته است و دو بار نیز از واژه‌ی «مادر» برای خطاب استفاده شده است. گفتنی است در این مطالعه، کلماتی نظیر مادر، پدر و... در گروه خطاب‌های رسمی طبقه‌بندی شده‌اند. با توجه به کم بودن موارد خطاب در پورنامداریان (۱۳۸۶) نمی‌توان در خصوص ملاحظات جامعه‌شناختی درس‌نامه‌ی مذکور اظهار نظر کرد.

ثمره (۱۳۸۴) دارای ۷ مورد کاربرد «سلام» در مقابل ۳ مورد کاربرد «خداحافظ» است و از مجموع ۴ خطاب به کار رفته در این منبع، یک خطاب، غیررسمی و سه خطاب، رسمی می‌باشد. در ضرغامیان (۱۳۸۴) نیز بسامد «سلام» بیش از «خداحافظ» است، اما تفاوت عمده در این اثر این است که بسامد خطاب‌های غیررسمی (۱۴) بیش از بسامد خطاب‌های رسمی (۱۰) است و این امر نشان می‌دهد شخصیت‌های شرکت‌کننده در دیالوگ‌ها، اغلب با یکدیگر دوست یا هم‌کلاسی بوده‌اند و از خطاب‌های غیررسمی استفاده کرده‌اند.

در صفارمقدم (۱۳۹۱) ۳۳ مورد «سلام» و ۴ مورد «خداحافظ» به کار رفته است. از نظر خطاب، صفارمقدم (۱۳۹۱) با درس‌نامه‌های شماره‌ی ۱ و ۲ شباهت بیشتری دارد؛ زیرا اغلب شخصیت‌ها در دیالوگ‌ها با القاب رسمی یکدیگر را مورد خطاب قرار داده‌اند.

در فرزاد (۲۰۰۴) نیز بسامد «سلام» بیش از «خداحافظ» است و در چارچوب خطاب نیز بسامد خطاب غیررسمی به گونه‌ای نشان‌دار بیش از خطاب رسمی است. این تفاوت آشکار، نشان می‌دهد فرزاد (۲۰۰۴) کوشیده است دیالوگ‌های متن را در فضایی صمیمی و دوستانه ارائه دهد.

در شعبانی جدیدی و پرویز بروکشا (۲۰۱۰) نیز بسامد «سلام» (۱۴ مورد) بیش از بسامد «خداحافظ» (۲ مورد) است، اما برخلاف فرزاد (۲۰۰۴) بسامد صورت‌های خطاب رسمی (۱۴ مورد) بیش از صورت‌های خطاب غیررسمی (۸ مورد) می‌باشد. ناگفته نماند که صرف وجود خطاب‌های رسمی یا غیررسمی در یک منبع آموزش زبان، نقطه‌ی ضعف یا قوت آن نیست. آنچه اهمیت دارد این است که زبان‌آموزان به طور معقول، با هر دو گونه‌ی رسمی و غیررسمی زبان و موقعیت‌های مناسب هر یک از این دو گونه آشنا شوند. بدیهی است استفاده از یک صورت خطاب غیررسمی در بافت رسمی باعث می‌شود گوینده، بی‌ادب جلوه کند و اگر صورت خطاب رسمی در موقعیتی غیررسمی به کار رود، شاهد مکالمه‌ای تصنعی و گاه مضحک خواهیم بود.

۷- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، شش درس‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان را از منظر کاربرد ساخت‌های آغاز و پایانه و با توجه به گونه‌ی رسمی/غیررسمی بررسی کردیم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد فراوانی در مقیاس ۱۰۰ صفحه در کل پیکره معادل ۲/۹ می‌باشد و لذا نتیجه می‌گیریم در هر ۱۰۰ صفحه از پیکره‌ی مورد مطالعه، حدود ۳ ساخت آغاز یا پایانه به کار رفته است. البته از این نظر، میان درس‌نامه‌های مورد مطالعه تفاوت بنیادی وجود دارد. به عنوان نمونه، در پورنامداریان (۱۳۸۶) حتی یک بار از کلمات «سلام» یا «خداحافظ» استفاده نشده است، در حالی که در منابع دیگر به ویژه صفارمقدم (۱۳۹۱)، فرزاد (۲۰۰۴) و شعبانی جدیدی و پرویز بروکشا (۲۰۱۰) درصد فراوانی صورت‌های «سلام» و «خداحافظ» بالاتر است. بررسی و مقایسه‌ی داده‌های آماری جدول ۲ نشان می‌دهد در کل پیکره‌ی پژوهش حاضر، بسامد تکرار کلمه‌ی «سلام»، ۷۱ بار و کلمات «خداحافظ/ خدانگهدار» ۱۷ مرتبه است. به بیان دیگر، درس‌نامه‌های مورد مطالعه، به صحبت‌گشایی اهمیت بیشتری داده‌اند و بسیاری از دیالوگ‌ها بدون نتیجه‌گیری یا ردوبدل شدن علائمی مبنی بر اتمام کلام، ناگهان قطع شده‌اند. نگارنده بر این باور است که مخاطبان درس‌نامه‌های معرفی شده در این پژوهش، به ویژه سه درس‌نامه‌ی ابتدایی شامل پورنامداریان

(۱۳۸۶)، ثمره (۱۳۸۴) و ضرغامیان (۱۳۸۴) با الگوهای طبیعی صحبت‌گشایی یا اتمام کلام آشنا نمی‌شوند و این امر ایرادی جدی در منابع مورد نظر به شمار می‌آید. البته منظور نگارنده این نیست که مولفان درس‌نامه‌های آموزش زبان فارسی، در تمام دیالوگ‌ها از الگوهای آغاز و پایانه‌ی کلامی استفاده کنند، اما آنچه در حال حاضر شاهد هستیم، این است که فارسی‌آموزان دست‌کم در سه درس‌نامه‌ی مورد بحث، با دیالوگ‌هایی مواجه‌اند که بی‌هیچ مقدمه‌ای آغاز شده و یا ناگهان قطع می‌شوند، در حالی که می‌دانیم در مکالمات طبیعی و روزمره‌ی اهل زبان، به ندرت چنین اتفاقی می‌افتد.

از سوی دیگر، بسامد بیشتر خطاب رسمی (۶۷)، در مقابل خطاب غیررسمی (۴۵) خاطرنشان می‌سازد درس‌نامه‌های مورد بررسی، به طور عمده، الگوهای رسمی زبان فارسی را به زبان‌آموزان القا می‌کنند. نکته‌ی پایانی این که در کل پیکره‌ی مورد مطالعه، میزان استفاده از الگوهای آغازی مبتنی بر مناسبت‌های اجتماعی- فرهنگی و نیز آیینی، ناچیز است. در شش درس‌نامه‌ی مورد مطالعه، به ندرت شاهد استفاده از عباراتی مانند «تولدت مبارک»، «نوروز مبارک» و نظایر آن هستیم و همین امر نشان می‌دهد مولفان منابع مذکور، به تعامل طبیعی زبان‌آموزان و مشارکت فعال آنان در مراسم آیینی توجه چندانی نداشته‌اند. از آن جا که تاکنون مطالعه‌ای مشابه بر روی منابع آموزش زبان انگلیسی یا سایر زبان‌ها انجام نشده است، نمی‌توان در خصوص شباهت یا تفاوت رویکرد مولفان درس‌نامه‌های زبان فارسی و سایر زبان‌ها قضاوت کرد. بدیهی است انجام چنین مطالعه‌ای می‌تواند نقاط ضعف یا قوت احتمالی چنین منابعی را آشکار سازد و امکان مقایسه‌ی منابع آموزش زبان فارسی با منابع آموزش سایر زبان‌ها را فراهم سازد.

در این پژوهش، کاستی‌های منابع آموزش زبان فارسی در حوزه‌ی توانش ارتباطی به طور عام و آموزش صحبت‌گشایی و اتمام کلام به طور خاص بررسی شدند. نگارنده بر این باور است که یافته‌های حاصل از این مطالعه، می‌تواند در بازنگری منابع موجود و همچنین تدوین درس‌نامه‌های جدید، مفید و راهگشا باشد. در تحلیل نارسایی‌های موجود می‌توان به دلایل مختلفی اشاره کرد. نخست این که مولفان منابع مورد بحث به اندازه‌ی کافی با چارچوب‌های آموزش زبان به خارجی‌ها آشنا نبوده‌اند و بسیاری از الگوهای رایج در زبان مادری خود را ساده و بدیهی فرض کرده‌اند. دوم این که تدوین منابع مذکور بر اساس نیازسنجی واقعی زبان‌آموزان انجام نشده و طراحی سرفصل‌ها در اغلب موارد بر اساس تجربیات شخصی انجام شده است. ناگفته نماند که در مرور منابع مورد بررسی، شاهد پیشرفتی آهسته و معنی‌دار هستیم. به این معنا که منابع جدیدتر، از رویکردهای سنتی دستور-ترجمه در آموزش زبان فاصله گرفته‌اند و به توانش ارتباطی زبان‌آموزان بیشتر توجه کرده‌اند. نگارنده اعتقاد دارد که با گذر زمان و تثبیت مفاهیمی همچون نیازسنجی آموزشی و توانش ارتباطی، مولفان مواد آموزش زبان به طور عام و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان به طور خاص، بیش از پیش به الگوهای طبیعی زبان و از جمله آغازها و پایانه‌ها توجه خواهند کرد. مرور

منابع ارزیابی شده در پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که منابع جدیدتر (برای مثال شعبانی جدیدی و پرویز بروشکا) از منظر توجه به ساخت‌های آغاز و پایانه، وضعیت بهتری نسبت به منابع قدیمی‌تر دارند.

منابع:

- پورنامداریان، ت. (۱۳۸۶). درس فارسی برای فارسی‌آموزان خارجی (دوره‌ی مقدماتی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ثمره، ی. (۱۳۸۴). *آزفا (دوره‌ی مقدماتی، کتاب دوم)*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- صحرايي، ر. و شهباز، م. (۱۳۹۱). تحلیل محتوایی منابع آموزشی زبان فارسی بر پایه انگاره‌ی نیل اندرسون. *پژوهش‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان*، سال اول، شماره ۲، صص: ۲-۳۰.
- صقارمقدم، ا. (۱۳۹۱). *زبان فارسی (چهار جلد)*. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ضرغامیان، م. (۱۳۸۴). *دوره‌ی آموزش زبان فارسی (از مبتدی تا پیشرفته)*. تهران: انتشارات شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

- Akindele, D. F. (2007). Lumela/Lumela: A Socio-Pragmatic Analysis of Sesotho Greetings. *Nordic Journal of African Studies*, 16(1): 1-17.
- Bardovi-Harlig, K. et al. (1991). Developing Pragmatic Awareness: Closing the Conversation. *ELT Journal*, 45(1).
- Coronel-Molina, S.M. (1998). Openings and Closings in Telephone Conversations between Native Spanish Speakers. *Working Papers in Educational Linguistics*, 14(1): 49-68.
- Duranti, A. (1997). *Linguistic Anthropology*. Cambridge University Press.
- Eisenstein Ebsworth, M., Bodman, J. W. & Carpenter, M. (1996). Cross-Cultural Realization of Greetings in American English. In S. M. Gass & J. Neu (Eds.), *Speech Acts Across Cultures: Challenges to Communication in a Second Language* (pp. 89-107). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Farzad, N. (2004). *Teach Yourself Modern Persian*. New York: McGraw-Hill.
- Firth, J. R. (1972). Verbal and Bodily Rituals of Greeting and Parting. In J. S. La Fontaine (Ed.), *The Interpretations of Ritual: Essays in Honour of A.I. Richards* (pp. 1-38). London: Tavistock.
- Godard, D. (1977). Same Setting, Different Norms: Phone Call Beginnings in France and the United States. *Language in Society*, 6: 209-219.
- Hopper, R. & Koleilat-Doany, N. (1989). Telephone Openings and Conversational Universals: A Study in Three Languages. In S. Ting-Toomey & F. Korzenny (Eds.), *Language, Communication and Culture* (pp. 157-179). Newbury Park, CA: Sage.
- Hymes, D. (1972). On Communicative Competence. In J. Pride & J. Holmes (Eds.) *Sociolinguistics: Selected Readings*. Harmondsworth: Penguin Books.

- Jucker, A. H.** (2011). Greetings and Farewells in Chaucer's Canterbury Tales. In P. Pahta & A. H. Jucker (Eds.), *Communicating Early English Manuscripts*. Cambridge University Press.
- Khadem, A. & EslamiRasekh, A.** (2012). Discourse Structure of Persian Telephone Conversation: A Description of the Closing. *International Review of Social Sciences and Humanities*, 2(2): 150-161.
- Nilsen, A. P.** (1984). Greetings and Salutations in a New Age. *Language in Society*, 13: 245-247.
- Rash, F. J.** (2004). *Linguistic Politeness and Greetings Rituals in German-Speaking Switzerland*. Notes: Linguistik-online, special volume- Dialectology of Swiss German Article is 25 pages long,
- Schegloff, E. A.** (1967). *The First Five Seconds: The Order of Conversational Openings*. Ph.D. dissertation. University of California, Berkeley.
- Schegloff, E. A.** (1968). Sequencing in Conversational Openings. *American Anthropologist*, 70: 1075-1095.
- Schegloff, E. A.** (1979). Identification and Recognition in Telephone Conversation Openings. In G. Psathas (Ed.) *Everyday Language: Studies in Ethnomethodology* (pp. 23-78). New York: Irvington.
- Searle, J. R.** (1969). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge University Press.
- Shabani Jadidi, P. & Parviz Brookshaw, D.** (2010). *The Routledge Introductory Persian Course: Farsi Shirin Ast*. Routledge.
- Wei, L.** (2010). The Functions and Use of Greetings. *Canadian Social Science*, 6(4): 56-62.